

پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و باورهای غیر منطقی در زنان متقاضی طلاق

یگانه درویشی^۱، بیوک تاجری^{۲*}

چکیده:

مقدمه: رضایت زناشویی عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر زمانی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند. رابطه باورهای غیرمنطقی و سرمایه شناختی و رضایت زناشویی مهم است. پژوهش حاضر با هدف پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و باورهای غیر منطقی در زنان متقاضی طلاق به اجرا درآمد.

روش پژوهش: روش غیر آزمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره سنین ۲۰-۴۰ ساله ساکن در منطقه ۶ تهران بود. روش نمونه گیری از نوع هدفمند و حجم نمونه ۱۰۰ نفر بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ، پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز و پرسشنامه سرمایه روان شناختی بود. به منظور تحلیل آماری داده ها، از آزمون رگرسیون چند متغیره سلسله مراتبی استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که سرمایه روان شناختی ۴۱/۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق تبیین می کند و سرمایه روان شناختی به صورت معناداری در سطح ۰/۰۵ رضایت زناشویی را پیش بینی می کند. با اضافه شدن متغیر باورهای غیرمنطقی به متغیر سرمایه روان شناختی، ۵۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی در این زنان تبیین و پیش بینی شد و بین این متغیرها رابطه متقابل برقرار بود. لذا می توان نتیجه گیری کرد که فرضیه های پژوهش تایید شد و سرمایه روان شناختی و باورهای غیرمنطقی، رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق ۲۰-۴۰ ساله به طور معنادار پیش بینی می کند و در رضایت زناشویی نقش دارد.

نتیجه گیری: با افزایش سرمایه روان شناختی و کاهش باورهای غیرمنطقی می توان رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق افزایش داد و ایجاد محیط سرشار از سرمایه روان شناختی و باورهای منطقی با عملکرد بهتر در زندگی زناشویی رابطه دارد.

واژگان کلیدی: باورهای غیرمنطقی، سرمایه روان شناختی، خود-کارآمدی، رضایت زناشویی، زنان متقاضی طلاق

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۸

استناد: درویشی یگانه، تاجری بیوک. پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و باورهای غیر منطقی در زنان متقاضی طلاق، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۴؛ ۱۵(۳): ۱۱۷-۱۰۷

۱- گروه روان شناسی بالینی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران zernegg@ahoo.com

۲- (نویسنده مسئول)، گروه روان شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران btajeri@yahoo.com, tell: 09123476926

© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتو کامنز <http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/> منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی

به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

مقدمه:

ازدواج به عنوان مهمترین و اساسی ترین رابطه بشری توصیف شده است زیرا ساختار اولیه، برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده را فراهم می سازد و چنانچه این امر به درستی صورت بگیرد بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تأثیر می گذارد، باعث افزایش سلامتی، رضایت بیشتر از زندگی، کاهش مشکلات روانشناختی و مدیریت بهتر تعارض ها در خانواده می شود. این در حالی است که متأسفانه جدایی والدین و طلاق در کشورهای صنعتی در حال تبدیل شدن به یک تجربه مشترک بین تعداد زیادی از کودکان است؛ به طوری که در کشوری مثل ایتالیا رشد طلاق از سال های ۱۹۹۵ الی ۲۰۲۴ نزدیک به ۷۰ درصد بوده است (۱). آمارها نشان می دهند که طلاق در کشور ما نیز در چند سال گذشته افزایش داشته و همواره استان تهران دارای بالاترین نرخ طلاق در سطح کشور بوده است (۲). به گزارش دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور ۱۴۰۳ مورد طلاق در سال ۱۴۰۳ به ثبت رسیده است که بیانگر تشکیل خانواده هایی با ثبات پایین و افزایش تعداد فرزندان طلاق است (۳). به نظر می رسد که تقاضای طلاق با رضایت زناشویی^۱ مرتبط است.

چنانچه رضایت زناشویی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شود، متغیرهای مستقل زیادی در ایجاد آن دخیل هستند. توافق در روابط جنسی، برخورداری از رابطه و حمایت اجتماعی، رفاه اقتصادی و مادی، موقعیت اجتماعی زوجین، عدم دخالت های غیر منطقی اطرافیان، توافق در خصوص شیوه های فرزندپروری از جمله این موارد هستند (۴). رضایت زناشویی عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر زمانی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند (۵). سازگاری زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی زوج ها به وجود می آید زیرا که لازمه آن انطباق سلیقه ها، شناخت، صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوی ارتباطی است. بنابراین سازگاری زناشویی یک فرآیند تکاملی بین زن و شوهر است (۶). در کل اگر رضایت زناشویی حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش باشد، عدم رضامندی فقط هنگامی خواهد بود که دو شریک از چیزی رنج ببرند. البته نظر افراد در این باره که چه اموری رضایت بخش و یا نارضايت بخش است با گذشت زمان و رشد طبیعی انسان تغییر می کند. یکی از اهداف اصلی تحقیقات درباره روابط بین زوجین پیش بینی رضایت زناشویی با مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعامل بین زوجین تأثیر میگذارد (۴). به نظر می رسد یکی از عوامل مربوط با رضایت زناشویی، سرمایه روان شناختی^۲ باشد.

سرمایه روان شناختی جنبه های مثبت زندگی آدمی را در بر می گیرد. سرمایه انسانی و اجتماعی به آسانی قابل مشاهده و آشکار است و می توان به سادگی آن را اندازه گیری و کنترل کرد، در حالی که سرمایه روان شناختی بیشتر بالقوه بوده و اندازه گیری و توسعه آن دشوار است. بنابراین سرمایه روان شناختی شامل آن دسته از ویژگی های روان شناختی است که به بهره وری فرد کمک می کند و شامل خودادراکی، خودارزشمندی، هدفمندی و مقاومت در برابر مشکلات می شود (۷). سرمایه روان شناختی یک مفهوم مرکزی با یک مفهوم چند بعدی است. در واقع سرمایه روان شناختی، با تکیه بر متغیرهای روان شناختی مثبت گرایی همچون امیدواری و خودکارآمدی منجر به ارتقای ارزش سرمایه انسانی (دانش و مهارت های افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آنها) در خانواده می شود. مولفه های سرمایه روان شناختی شامل خودکارآمدی، خوشبینی، امیدواری و تاب آوری می باشد (۸). خوش بینی از یک منظر، به انتظارات امیدبخشی دلالت دارد که در یک موقعیت معین وجود دارد. این انتظار که به موقعیت های دیگر نیز تعمیم داده می شود، فرد را در حالت امیدواری نگه می دارد. واژه خودکارآمدی را به عنوان عقاید یک شخص در مورد توانایی خویش برای سازگاری

1. marital satisfaction
2. psychological capital

با موقعیت‌های خاص تعریف کرده اند. امید را به عنوان حالت انگیزشی مثبتی که مبتنی بر حس تعاملی منتج از راهبرد موفقیت (راهبرد جهت گیری موفقیت) و گذرگاه‌ها (طرحی برای دستیابی اهداف) است تعریف کرده اند (۷).

بک معتقد است در زمینه رضایت زناشویی برداشت زن یا شوهر از رفتار یکدیگر بیش از خود رفتار حائز اهمیت است. وی در همین رابطه به زمینه‌های متعددی اشاره می‌کند که می‌توانند پیوند زناشویی را تهدید کنند و موجب کاهش رضایت از زندگی زناشویی گردند. وی معتقد است که در همه این زمینه‌ها در واقع این باورهای غیرمنطقی^۱ زن و شوهر از رفتار یکدیگر است که منجر به بروز مشکلات زناشویی می‌گردد (۹). سه طبقه از پدیده‌های شناختی که می‌توانند باعث کاهش نارضایتی زناشویی گردند عبارتند از: افکار اتوماتیک، انتظار از اتفاق حوادث در رابطه، اعتقادات غیرمنطقی و غیرواقع بینانه (۱۰). باورهای غیرمنطقی نیز در مواجهه با مشکلات خانوادگی نقش دارد. از نظر الیس تفکر منطقی منجر به فعالیت بیشتر در زندگی می‌شود، فرد از پایگاه روشنی به حوادث می‌نگرد و به فرد امید، شهامت و توان عمل می‌دهد (۱۱). زمانی که یک شخص از حد ترجیحات، آرزو و خواسته‌های خود درباره رویدادی که اتفاق افتاده است می‌گذرد و به حد مطلق نگر قطعی و الزامی می‌رسد، الیس منشاء هیجانات انسان را افکار او می‌داند، البته این به آن معنا نیست که ما می‌توانیم، یا باید از طریق عقل، تمامی هیجانات خود را کنترل کنیم. در واقع باور منطقی معمولاً منجر به هیجانات مناسب (برای مثال، احساس تاسف یا ناراحتی به خاطر نرسیدن به اهداف مورد نظر) و باور غیر منطقی منجر به هیجانات نامناسب (برای مثال، احساس افسردگی، حقارت یا خشم به دلیل نرسیدن به اهداف خود) می‌شود (۱۰).

بنابراین به نظر می‌رسد که باورهای (منطقی و غیرمنطقی) علاوه بر تصویر بدنی و سلامت روان به عنوان یک سازه روانشناختی بسیار مهم در پیش‌بینی رایت زناشویی و اقوام به طلاق، از جایگاه و توانایی حائز اهمیت برخوردار است. باورهای غیر منطقی منجر به این می‌شوند که افراد وقایع را بسیار ناراحت کننده تلقی کرده و مطابق با آن پاسخ خواهند داد این مدل اساسی محرک بزرگی برای دیدگاه شناختی که به رفتار درمانی و زمینه‌های وابسته مربوط می‌شوند، بوده است. اساساً این باورها غیر منطقی تحت چهار عنوان قرار می‌گیرند: ۱- باور وحشتناک بودن، ۲- باور مربوط به تحمل ناکامی پائین، ۳- تقاضاها یا خواسته‌های مستبدانه، ۴- ارزیابی از خود به صورت کلی باورهای غیر منطقی دو ویژگی دارند: ۱- توقعات خشک و تعصب آمیزی هستند که معمولاً با کلمات باید و حتما بیان می‌شوند. ۲- فلسفه‌های خود آشفته ساز، که معمولاً حاصل این توقعات هستند و انتساب‌های نامعقول و بیش از حد تعمیم یافته ایجاد می‌کنند (۱۲). در رویکرد شناختی اعتقاد بر این است که تفکر به مفهوم وسیع بر شناخت، نقش اساسی و مهمی را در چگونگی بروز رفتار آدمی ایفا می‌کند. روان‌شناسان شناخت گرا، رفتار را به عنوان سرنخی برای استنباط و استنتاج پدیده‌های شناختی یا آنچه در ذهن می‌گذرد، مورد توجه قرار می‌دهند. تفکر منطقی منجر به فعالیت بیشتر در زندگی می‌شود، فرد از پایگاه روشنی به حوادث می‌نگرد و به فرد امید، شهامت و توان عمل می‌دهد (۲). با بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد که تحقیقی که این متغیرها را به صورت یکجا مطالعه کند یافت نشد. لذا با توجه به توضیحات فوق پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و باورهای غیر منطقی در زنان متقاضی طلاق انجام شد.

روش پژوهش:

روش غیر آزمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره سنین ۲۰-۴۰ ساله ساکن در منطقه ۶ تهران بود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود که ابتدا با هماهنگی مراکز مشاوره خانواده، مراجعانی که

متقاضی طلاق بودند به پژوهشگر معرفی شدند. حجم نمونه با توجه به فرمول تاباکنیک ۱۰۰ نفر بود (۱۳). داده‌ها با استفاده از آزمون آماری رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی تحلیل شد.

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه یا فرم خودگزارش‌دهی انجام می‌شود. برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی استفاده شد. سوالات بسیار واضح بود و از آنجایی که پرسشنامه جنبه خوداجرائی دارد پاسخگو را به جواب دادن ترغیب شد. جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر توسط دانشجو تحت نظر استاد ناظر آقای دکتر بیوک تاجری انجام شد و پژوهشگر دوره تخصصی را در مرکز مشاوره ساوالان قبلاً گذرانده است. اعضای نمونه از بین زنان سنین ۲۰-۴۰ ساله متاهل که حاضر به همکاری از باشند در مراکز مشاوره خانواده انتخاب شد. پژوهش حاضر مانند بسیاری از تحقیقات علمی، به دلیل اینکه سنجش مستقیم متغیر وابسته مقدور نیست، برای بدست آوردن کمیت تغییر آزمودنی‌ها نیازمند پرسشنامه است. با توجه به حساسیت موضوع طلاق رازداری، بر محرمانه بودن اطلاعات آزمودنی‌ها و بی‌نام سازی پرسشنامه‌ها تاکید شد. پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار تمامی شرکت کنندگان در پژوهش قرار گرفت و ضرورت اهمیت و صادقانه جواب دادن به پرسشنامه‌ها تشریح گردید. سپس تمام پرسشنامه‌های توزیع شده جمع‌آوری و نتایج ثبت و مورد تحلیل آماری قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها ضمن رعایت پیش فرض‌های پژوهش، از آزمون آماری رگرسیون چند متغیری از نوع سلسله مراتبی و از نرم افزار SPSS نسخه ۲۸ استفاده گردید. ابزارهای پژوهش عبارت بود از؛

پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ: برای سنجش میزان رضایت زناشویی از پرسشنامه تعدیل شده اینریچ استفاده شد که ۱۲ مقوله زندگی را می‌سنجد. مقیاس اول آن ۵ سؤالی و سایر مقیاسها هر کدام ۱۰ سؤال دارد. مقیاس زوجی اینریچ یک اندازه گیری کلی از روابط زناشویی است. مقیاس‌های این پرسشنامه شامل، ۱- تحریف آرمانی، ۲- رضایت زناشویی، ۳- ارتباطات، ۴- حل تعارض، پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) می‌باشد. این پرسشنامه برای هر یک از ماده‌ها پنج گزینه، کاملاً مخالفم، مخالفم، نه موافق و نه مخالف، موافقم، کاملاً موافقم، می‌باشد. سوالات ۳-۵-۶-۷-۱۰-۱۳-۱۴-۱۸-۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۲-۳۳-۳۴ به صورت معکوس نمره داده می‌شوند. به عبارت دیگر در این سؤالات به عبارت کاملاً موافقم نمره ۱ و به عبارت کاملاً مخالفم نمره ۵ تعلق می‌گیرد (۵). ضریب همبستگی «پرسش نامه اینریچ» با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰، با مقیاس‌های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه است. کلیه خرده مقیاس‌های «پرسش نامه اینریچ» زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که پرسش نامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (۹). اولسون و همکاران اعتبار آلفای این پرسشنامه را ۰/۹۲ اعلام کرده‌اند و ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاسهای رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب از این قرار است ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۸۰، ۰/۸۶ و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هر خرده آزمون به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۸۱، ۰/۸۶ بوده است. (۱۴). آلفای کرونباخ رضایت زناشویی در این پژوهش برابر با ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز: برای بررسی تفکرات غیرمنطقی، پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز انتخاب گردید که براساس نظریه آلبرت الیس انواع تفکرات غیرمنطقی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پرسشنامه ۱۰۰ سؤال بسته دارد و از ده قسمت تشکیل شده است که هر قسمت یک نوع تفکر غیرمنطقی را می‌سنجد، پاسخنامه پرسشنامه جونز به روش لیکرت و به صورت پنج گزینه‌ای موافق تا کاملاً مخالف که به هر گزینه آن یک تا پنج نمره تعلق می‌گیرد و آزمودنی با گذاشتن علامت دلخواه خود گزینه‌ای را مشخص می‌کند. سبک و روش نمره‌گذاری بسوی غیرمنطقی بودن می‌باشد یعنی داشتن نمره بالا در این پرسشنامه نشانه تفکر غیرمنطقی (که حداکثر آن ۵۰ نمره برای کل آزمون و ۵۰ نمره برای هر کدام از عوامل ده گانه خرده آزمونها و داشتن نمره پایین نشانه تفکر منطقی است. یادآوری می‌شود به هر یک از سوالات با توجه به کلید نمره خاص تعلق می‌گیرد و به این معنی که موافقت با سوال دیگر نشانی از منطقی بودن می‌باشد و در حالت مخالفت نیز این روش کاملاً صدق می‌کند (۱۵). روایی و پایایی این آزمون در

پژوهش که توسط تقی‌پور با استفاده از یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با میانگین سنی ۲۴ سال صورت گرفته و نتایج حاصل از پژوهش فوق نشان از آن دارد که پیاپی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ می‌باشد (۱۶). آلفای کرونباخ باورهای غیرمنطقی در این پژوهش برابر با ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه روانشناختی: پرسشنامه توسط لوتانز در سال ۲۰۱۷ ساخته شد. این پرسشنامه از مقادیر استاندارد شده که به طور وسیعی برای ساختارهایی که تاب آوری، خوشبینی را می‌سنجند مورد استفاده قرار گرفته است و قابلیت اعتبار و پیاپی این خرده مقیاسها نیز تایید شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ سوال است و آزمودنی به هر گویه در مقیاس ۶ درجه ای کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم لیکرت پاسخ می‌دهد. برای بدست آوردن نمره سرمایه روانشناختی ابتدا نمره هر خرده مقیاس به صورت جداگانه بدست آمد و سپس مجموع آنها به عنوان نمره کل سرمایه روانشناختی محسوب می‌شود. میزان پیاپی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد. در این پژوهش دو بعد تاب آوری و خوش بینی از مقیاس سرمایه روانشناختی مدنظر بوده است. سوالات ۶ تا ۱۳ مربوط به مقیاس تاب آوری و سوالات ۱۴ تا ۱۸ مربوط به مقیاس خوش بینی می‌باشد (۷). میزان همسانی درونی نسخه فارسی این پرسشنامه را در ۴ مؤلفه از ۰/۷۹ تا ۰/۹۳ گزارش نمودند. همچنین در پژوهش آنها، اعتبار بازآزمایی با فاصله ۱۵ روز در مورد ۴ مؤلفه بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۴ به دست آمد (۱۷). در این پژوهش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته ها:

تعداد ۳۴ نفر یعنی ۳۴ درصد پاسخگویان مورد بررسی ۲۰-۲۵ ساله، تعداد ۲۳ نفر یعنی ۲۶-۳۰ ساله، تعداد ۲۵ نفر یعنی ۳۱-۳۵ ساله و ۱۸ نفر از آزمودنی ها ۳۶-۴۰ ساله بوده اند. بیشترین تعداد شرکت کنندگان مقطع کارشناسی به تعداد ۳۶ نفر و کمترین آن، با تعداد ۷ نفر با مدرک تحصیلی دکترا بودند. جدول ۱، میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ
رضایت زناشویی	۵۷/۴۱	۷/۸۵	۰/۷۹
باورهای غیرمنطقی	۲۶/۱۷	۷/۱۸	۰/۷۴
سرمایه روان شناختی	۳۰/۱۲	۳/۱۷	۰/۸۲

رضایت زناشویی با باورهای غیرمنطقی در سطح معناداری ۰/۰۱ همبستگی منفی داشت و همچنین رضایت زناشویی نیز به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۵ با سرمایه روان شناختی همبسته بود. باورهای غیرمنطقی نیز به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱، با سرمایه روان شناختی همبسته بود. جهت بررسی فرضیه های پژوهش از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد که متغیرهای ملاک و پیش‌بین از توزیع نرمال برخوردار هستند. از آنجایی که شاخص تلورانس نزدیک به ۱ می‌باشد لذا هیچ یک از متغیرهای پیش بین با سایر متغیرهای پیش بین اثر هم خطی ندارد. همچنین همانطور که از جدول فوق مشاهده می‌گردد با توجه به اینکه مقدار شاخص VIF کمتر از ۲ می‌باشد لذا بین متغیرهای پیش بین اثر هم خطی وجود ندارد. آزمون دوربین واتسون جهت بررسی استقلال خطاها نشان داد که این آماره برابر با ۱/۳۷ شده است که کمتر از ۲ است و حاکی از صادق بودن این پیش فرض می‌باشد. چون سطح معناداری تعامل بین متغیرها از $p > 0.01$ بزرگتر است بنابراین تعامل معنادار نیست و فرض همگنی شیب رگرسیون تایید می‌شود.

جدول ۲. رگرسیون چند متغیری پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و بهزیستی روانی

متغیرها	b	SE	β	R^2	ΔR^2
سرمایه روان شناختی	۰/۵۳۲	۰/۱۴	۰/۳۸۲*	$R^2=۰/۴۱۲$	$F=۲۲/۰۳$
باورهای غیرمنطقی	-۰/۴۰۱	۰/۲۷۳	-۰/۲۳۱**	$R^2=۰/۵۵۲$	$\Delta R^2=۰/۱۶۳$
					$\text{adj}R^2=۰/۵۳۲$
					$F=۲۴/۲۷$

همچنان که جدول نشان می دهد، سرمایه روان شناختی ۴۱/۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق تبیین می کند. ارزیابی نتایج نشان داد که سرمایه روان شناختی به صورت معناداری در سطح ۰/۰۵ رضایت زناشویی را پیش بینی می کند ($F=۲۲/۰۳$, $p<0/۰۵$). بررسی مجذور همبستگی چندگانه بدست آمده نشان داد که مقدار R^2 برابر با ۰/۴۱ است. این موضوع نشان می دهد سرمایه روان شناختی به تنهایی ۴۱ درصد از واریانس رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق را تبیین می کند. با اضافه شدن متغیر باورهای غیرمنطقی به متغیر سرمایه روان شناختی، ۵۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق تبیین می کند.

بررسی ضریب رگرسیون نشان داد که ضریب رگرسیون در سطح ۰/۰۱ معنادار است. می توان نتیجه گرفت که باورهای غیرمنطقی قادر به پیش بینی رضایت زناشویی بود. در مرحله دوم با افزودن باورهای غیرمنطقی به معادله، ملاحظه شد که آن متغیر نیز به صورت معناداری می تواند در سطح ۰/۰۱ رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق را پیش بینی کند ($F=۲۴/۲۷$, $p<0/۰۱$). بررسی مجذور همبستگی چندگانه بدست آمده نشان داد که مقدار R^2 برابر با ۰/۵۵ است. این موضوع نشان می دهد سرمایه روان شناختی و باورهای غیرمنطقی به اتفاق، ۵۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق را تبیین می کند. همچنین بررسی میزان تغییرات مجذور همبستگی های چندگانه ($\Delta R^2=۰/۱۶۳$) نشان داد که اضافه شدن باورهای غیرمنطقی بر معادله باعث شده است میزان واریانس تبیین شده رضایت زناشویی تقریباً ۱۶/۳ درصد افزایش یابد. لذا می توان نتیجه گیری کرد که فرضیه های پژوهش تایید شد و سرمایه روان شناختی و باورهای غیرمنطقی، رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق را پیش بینی می کند و در رضایت زناشویی نقش معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سرمایه روان شناختی و باورهای غیرمنطقی در زنان متقاضی طلاق انجام شد. نتایج نشان داد که سرمایه روان شناختی و باورهای غیرمنطقی توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را در زنان متقاضی طلاق دارد. یافته های این پژوهش با تحقیقات مشابه دیگر از جمله؛ گودرزی و همکاران (۱۹)، میلستین و همکاران (۱۸)، بهادری و همکاران (۱۷) در یک راستاست. در تبیین این یافته ها می توان گفت که رضایت زناشویی که از مهمترین و اساسی ترین عامل پایداری و دوام زندگی مشترک است؛ عبارت از وجود رابطه ای دوستانه همراه با حسن تفاهم و درک یکدیگر و وجود تعادلی منطقی بین نیازهای

مادی و معنوی زوجها است. زوجهای راضی، زن و شوهرهایی هستند که سازگاری زیادی با یکدیگر دارند؛ از روابط خود و از نوع کیفیت گذراندن وقتهای فراغت خود با یکدیگر رضایت دارند و در مدیریت وقت و مسائل مالی هماهنگی لازم را دارند(۱۴). روابط زناشویی با درک و پذیرش همسر مرتبط است و هر قدر روابط بین زوجها مطلوبتر باشد؛ درک و پذیرش همسر نیز بیشتر و تعارضهای بین آنها کمتر و قابل حل تر می شود.

زنان دارای رضایت از میزان بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند که دارای مجموعه ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به طور ذاتی و نهفته در ذات روابط اجتماعی گروههای نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد. سرمایه اجتماعی دانشجویان نیز با فراهم آوردن احساس امنیت و نظام اخلاقی، ارزشی و هنجاری مشترک منجر به افزایش تعاون و همکاری و ارتقای همگرایی ذهنی و همبستگی و رضایت زناشویی در بین آنها می شود و احتمال موفقیت آنها را افزایش می دهد و در نهایت باعث ارتقای توانمندیها و سرمایه روانشناختی دانشجویان می شود(۴). زوجهای دارای رضایت زناشویی از میزان بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند که دارای مجموعه ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به طور ذاتی و نهفته در ذات روابط اجتماعی گروههای نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد. سرمایه اجتماعی زوجها نیز با فراهم آوردن احساس امنیت و نظام اخلاقی، ارزشی و هنجاری مشترک منجر به افزایش تعاون و همکاری و ارتقای همگرایی ذهنی و همبستگی و رضایت زناشویی در بین آنها می شود و احتمال موفقیت آنها را افزایش می دهد و در نهایت باعث ارتقای توانمندیها و سرمایه روانشناختی زوجها می شود(۱۸). سرمایه روانشناختی در صورتی که بتوانند به اندازه کافی موجب غلبه بر عوامل تنش زا شود؛ به عنوان منبع روانی ارزشمندی که نیرو و توان روانی افراد را به مسیری مثبت و سازنده سوق می دهند؛ می توانند موجب شوند تا افراد به صورت اصولی با نشانه های تعارض مقابله کنند؛ همچنان که هریک از مؤلفه های سرمایه روانشناختی با طیف متنوعی از متغیرهای رفتاری، عملکردی، هیجانی و شناختی که برای رشد و تعالی انسان ضروری هستند؛ دارای اثر مثبت هستند. زوجها با سرمایه روانشناختی بالا برای رسیدن به اهداف مشترکشان که از همسانی ویژگیهای شخصیتی و ارزشی آنها نشأت می گیرد؛ تلاش فراوانی می کنند که در رویارویی با موانعی بر سر اهداف آنها قرار می گیرند؛ خوش بینانه و تاب آورانه ثابت قدم بمانند. سرمایه روانشناختی مجموعه ای از تواناییهای حل مساله و حل تعارض را برای افراد فراهم می آورد و به آنها در غلبه بر موقعیتهای تعارضی و استفاده درست از تواناییهای شناختی و اجتماعی کمک می کند. افرادی که از سرمایه روانشناختی پایینی برخوردارند؛ به هنگام برخورد با مشکل و تعارضهای روزمره زندگی، به علت عدم برخورداری از امیدواری و انعطاف پذیری، به راهبردهای سفت و سخت خود در تعارضها می چسبند(۷).

یکی از ابعاد سرمایه، امید، نیرویی هیجانی است که تخیل را به سوی موارد مثبت هدایت می کند. امید به انسانها انرژی می دهد و مجهزشان می کند که کار و فعالیتهای روزمره به آسانی انجام دهند؛ زوجها امیدوار به دیگران به عنوان منابع حمایتی و پایگاههایی که می توانند به آنها تکیه کنند؛ می نگرند و به راحتی با چالشهایی که ممکن است که در زندگیشان با آنها رو به رو شوند؛ سازگار می شوند و با دیدی خوش بینانه به موانع می نگرند. خوش بینی نیز به جهت گزینی فرد اشاره دارد که در آن معمولاً پیامدهای مثبت مورد انتظارند. اگر ادراکات عادی انسان با مفهومی مثبت از خود و از مهار شخصی و دیدگاهی خوش بینانه و امیدوارانه، حتی کاذب در مورد آینده همراه شود؛ نه تنها در اداره جزر و مد زندگی روزانه بلکه در کنار آمدن و مقابله مؤثر با رویدادهای بسیار تنش زا و تهدیدزای زندگی به افراد کمک می کند(۱۱).

از سوی دیگر احساس خودکارآمدی، متغیر مهمی در شکل گیری احساس شایستگی و موفقیت در انسانها است. عملکرد مؤثر نه تنها نیازمند دارا بودن مهارتها است؛ بلکه فرد باید باور داشته باشد که توانایی انجام آن مهارتها را دارد؛ بنابراین احساس خودکارآمدی، به افراد کمک می کند تا با به کارگیری مهارتهای خود در برابر مشکلات و مسائل پیرامون به صورت مطلوبی عمل کنند و احساس موفقیت

فردی در آنها ایجاد شود یا افزایش یابد. به عبارت دیگر احساس خودکارآمدی لزوماً به معنای داشتن مهارت‌های شخصی نیست؛ بلکه به این معنی است که فرد باور داشته باشد که توانایی انجام آن وظایف را به نحو مطلوب و در شرایط مختلف دارد. سازه تاب آوری نیز بر اساس رویکرد مبتنی بر نقاط قوت بنا نهاده شده و حاکی از قابلیت افراد در کنار آمدن با مشکلات و خطرات است. یعنی اینکه افراد چگونه می‌توانند مشکلات زندگی خود را در عین داشتن تنش و فشار با موفقیت سپری کنند. به همین جهت تاب آوری را فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز با شرایط نامطلوب، تنش‌زا و چالش انگیز می‌دانند (۱۵).

در بعد امیدواری سرمایه روان‌شناختی، شخص نیروهای خلاقه‌ی خویش را در راه بهبود چگونگی زندگی اش به کار برد. امید بخش ذهنی و اعتماد، بخش رفتاری است و باید با این اندیشه آغاز کرد که همه چیز چاره پذیر است. درگیری و مشارکت فعال در فعالیتهای درمانی و کنار آمدن با چالشها و موانع مستلزم باورهای خوش بینانه واقع گرایانه است. همچنین خوش بینی از جمله عوامل هیجانی است که در بهزیستی روان شناختی مؤثر است. چرا که سیستم دفاعی و حفاظتی بدن را تقویت نموده و افراد خوشبین رویدادهای مثبت زندگی را به توانمندی‌ها و تلاش‌های خودشان نسبت و کنترل بالایی بر رخدادهای زندگی دارند و از طرفی رویدادهای منفی را به عوامل بیرونی و گذار نسبت و این عوامل باعث می‌شود که خوشبینی یکی از پیش بینی کننده‌های بهزیستی روان شناختی تلقی شود. کاهش سطح خوش بینی و میزان تاب آوری از جمله مواردی می‌تواند باشد که فرد را مستعد مشکلات خانوادگی می‌کند و تمامی این عوامل به علاوه مصرف مواد، سلامت جسمی و روانی فرد را به خطر خواهد انداخت (۷).

سرمایه روانشناختی در صورتی که بتواند به اندازه کافی موجب غلبه بر عوامل تنش‌زا شود؛ به عنوان منبع روانی ارزشمندی که نیرو و توان روانی افراد را به مسیری مثبت و سازنده سوق می‌دهند؛ می‌توانند موجب شوند تا افراد به صورت اصولی با نشانه‌های تعارض مقابله کنند؛ همچنان که هریک از مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی با طیف متنوعی از متغیرهای رفتاری، عملکردی، هیجانی و شناختی که برای رشد و تعالی انسان ضروری هستند؛ دارای اثر مثبت هستند. دانشجویان با سرمایه روانشناختی بالا برای رسیدن به اهداف مشترکشان که از همسانی ویژگیهای شخصیتی و ارزشی آنها نشأت می‌گیرد؛ تلاش فراوانی می‌کنند که در رویارویی با موانعی بر سر اهداف آنها قرار می‌گیرند؛ خوش بینانه و تاب آورانه ثابت قدم بمانند. سرمایه روانشناختی مجموعه‌ای از تواناییهای حل مساله و حل تعارض را برای افراد فراهم می‌آورد و به آنها در غلبه بر موقعیتهای تعارضی و استفاده درست از تواناییهای شناختی و اجتماعی کمک می‌کند. افرادی که از سرمایه روانشناختی پایینی برخوردارند؛ به هنگام برخورد با مشکل و تعارضهای روزمره زندگی، به علت عدم برخورداری از امیدواری و انعطاف پذیری، به راهبردهای سفت و سخت خود در تعارضها می‌چسبند (۱۶).

همچنین پژوهش نشان داد که باورهای غیر منطقی توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارد. باورهای غیر منطقی بر روان فرد سلطه دارد و عامل تعیین کننده چگونگی تعبیر، تفسیر، معنابخشی به رویدادها، تنظیم کننده کیفیت و کلیت رفتارها و عواطف است. در واقع تفکرات غیر منطقی، اهداف یا خواسته‌هایی است که به شکل اولویت‌ها، ترجیحات ضروری و الزامی نمود پیدا کند و اگر برآورده شود، باعث آسفتگی خود می‌شود؛ بدین معنا که برآوردن انتظارات اغراق آمیز و غیر واقعی برای شخص دشوار است ولی فرد باید به این استانداردها دست یابد تا از سوی دیگران تأیید و پذیرفته شود. برخی از این معیارها از سوی دیگران به عنوان معیارهای تحمیل شده بیرونی تجربه می‌شود و این احساس را در فرد به وجود می‌آورد که غیر قابل کنترل هستند و به احساس شکست، اضطراب، خشم، درماندگی و ناامیدی منجر می‌شود. باورهای غیرمنطقی در شکل گیری شناخت غیر واقع بینانه تأثیر می‌گذارد و مهارت‌های مقابله ناسالم، احساس ناخوشتنداری و خودکارآمدی پایین را تقویت می‌کند. هرچه افراد نگرش منفی‌تری داشته باشند کمتر امکان دارد که از شیوه‌های مقابله مساله مدار و مؤثر، استفاده کنند، لذا فرایند اسناد منفی نیز در راستای بهبودی تفکر تقویت می‌شود. آگاهی شناختی با تأثیر بر احساسات و تجارب و در نتیجه هدایت تفکر و اندیشه فرد در موقعیت‌های یادگیری و حل مساله به عملکرد هرچه بهتر حافظه منجر می‌گردد. نوع تفکر افراد نیز بر میزان یادگیری آنها و در نتیجه افزایش انگیزه برای رضایت زناشویی

شان تاثیر گذار خواهد بود. زنانی که باورهای منطقی دارند با کاربست روش های موثر در تعاملات خود بیشتر پیشرفت می کنند و این مسئله انگیزه آنها را نیز افزایش خواهد داد(۱۱). رضایت از زندگی از جمله مهم ترین عوامل موثر در کیفیت زندگی است و آن نیز تقریباً مدت کوتاهی پس از بروز حادثه بهبود می یابد که در این راستا مؤلفه های شناختی که به رضایت مندی از زندگی و مؤلفه عاطفی که به سلامت روان فرد مبتلا اشاره می کند کیفیت زندگی را تحت الشعاع قرار می دهد؛ کیفیت زندگی با عواملی از قبیل تحرک بیشتر، سلامت جسمی درک شده بهتر، حمایت اجتماعی، عملکرد روانشناختی و خودکارآمدی در ارتباط می باشد. در عین حال تمامی افراد تمایل دارند که در حوزه های عملکردی که نیازمند توانایی شناختی می باشد خود را به دیگران نشان دهند. این در حالی است که افراد با افکار غیر منطقی از این مسئله محروم بوده و ارزیابی مثبتی از خود ندارند. افراد از طریق فرایندهای شناختی قادر به ارزیابی تجربیات خود هستند. باور افراد در مورد توانایی های خود به صورت قدرتمند در رفتار آن ها موثر می باشد. بنابراین "عملکرد با کفایت" نیازمند هماهنگی بین "خودباوری ها" از یک سو و داشتن "مهارت و دانش" از سوی دیگر است (۱۲).

به نظر می رسد که باورهای غیر منطقی و اراده مختل نتیجه اختلال شناختی است که ناتوانی در انتخاب عمل مناسب و اثرات منفی رفتارهای افراد معتاد را افزایش می دهد(۱۹). آن چه به نظر می رسد این است که این افراد با توجه به داشتن رفتارهای تکانشگری و پر خطر و داشتن بیماری های روانی بیشتر به نسبت افراد عادی و همچنین اعتماد به نفس پایین تر، عدم ابراز وجود، عدم توانایی نه گفتن در مقابل فشار همسالان و دوستان، تزلزل در تصمیم گیری، گوشه گیری و انزوا طلبی، عدم مسئولیت پذیری، عدم تحمل ناکامی و شکست، تکانشگری، عدم پایبندی مذهبی و باورهای نادرست در مورد مصرف مواد و سایر رفتارها بیشتر در معرض باورهای غیر منطقی قرار می گیرند و به سوی طلاق گرایش پیدا می کنند(۱۰). می توانیم بگوییم که وجود این باورها در یک فرد، در واقع تهدیدی برای زندگی مشترک به شمار می رود و در نهایت منجر به کاهش کیفیت زندگی زوجین می شود. همچنین، با توجه به این که افراد دارای اختلال در مقایسه با افراد دارای وزن بهنجار، باورهای غیر منطقی بیشتری دارند، شرایط استرسزا مثل تبعیض، تحقیر، و برچسب های اجتماعی، آنها را نسبت به بروز و رشد مشکلات روانشناختی، آسیب پذیر می سازد و عزت نفس آنها را نیز کاهش می دهد. افکار در نحوه تفسیر و ارزیابی فرد از واقعیت دخیل است و همچنین پاسخهای رفتاری که از تفسیر های خاص ناشی می شود در تداوم اختلال نقش دارند(۱۹). تفسیر افراد از موقعیت های خاص، احساس، انگیزش و اعمال آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. این تفسیرها در اغلب موارد با عقایدی که در این موقعیت ها فعال می شوند، شکل می گیرند عقایدی که تحت شرایط پیش بینی شده خاصی فعال می شوند و احتمال دارد که مشکلات را افزایش دهند(۶). لذا باورهای غیر منطقی موجب افزایش وقوع اختلالات نوروتیک و پسیکوتیک شده و این موضوع به تدریج سبب ناتوانی در رویارویی با مسائل زندگی می شود. سبک اجتنابی، موجب تشدید احساس ناتوانی و ناکارآمدی شده و به آرامی فرد را مستعد استفاده از این سبک جهت حل کلیه مسائل زندگی می کند(۲). بنا به نظریه الیس، زمانی که فرد به مدت طولانی بر اساس باورهای غیر منطقی خود عمل می کند، این باورها نسبتاً پایدار شده و به ویژه در موقعیت های فشارزا، به صورت اتوماتیک عمل می کنند و اجازه نمی دهند که فرد طبق باورهای منطقی تازه کسب شده عمل کند، بنابراین برای اینکه یک باور منطقی، جایگزین باورهای غیر منطقی شود، نیاز به تمرین، ممارست و گذشت مدت زمان طولانی است(۱).

محدودیت ها و پیشنهادها: محدودیت های این پژوهش شامل، عدم بهره گیری از روش نمونه گیری تصادفی، طرح همبستگی روش پژوهش و مقطعی بودن پژوهش بود. در انتها پیشنهاد می شود برای افزایش قدرت تعمیم پذیری نتایج، این پژوهش در سایر استان ها و مناطق و جوامع دارای فرهنگ های متفاوت اجرا شود و برای مهار عوامل مزاحم از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شود. همچنین پیشنهاد می شود طی کارگاهی تخصصی به روانشناسان و متخصصان این حوزه، آموزش داده شود تا با به کارگیری یافته های این پژوهش، جهت بهبود رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق گامی عملی برداشته باشند.

ملاحظات اخلاقی: محققان طبق پروتکل‌های اخلاقی مطالعات هلسینکی عمل نموده و اطلاعات آزمودنیها به طور ناشناس باقی ماند و بعد از مطالعه نیز تمامی این اطلاعات محفوظ باقی خواهد ماند. علاوه بر آن، همه شرکت کنندگان فرم رضایتنامه آگاهانه شرکت در پژوهش را امضا، برای همه آنان هدف، اهمیت و ضرورت پژوهش شرح داده شد. این طرح در کمیته اخلاق پژوهش با شناسه IR.IAU.K.REC.1403.93 به ثبت رسید.

تضاد منافع: بین نویسندگان پژوهش حاضر هیچ تضاد منافع وجود ندارد.

کاربرد عملی مطالعه: زنان متقاضی طلاق که رضایت زناشویی پایینی دارند، در صورتی که سرمایه روان شناختی آنها افزایش و باورهای غیرمنطقی آنها کاهش یابد، می‌توان رضایت زناشویی را افزایش داد و کیفیت زندگی آنها را بالا برد.

سپاس سگزاری: نویسندگان مقاله وظیفه خود می‌دانند که از تمامی همکاران و شرکت‌کنندگان که ما را در انجام پژوهش یاری کردند سپاس و قدردانی کنند.

منابع

1. Olson D.H. Fowers B.J. Five types of marriage: An empirical typology based on ENRICH. The Family journals, 2024; 1(3): 196-207. doi: [10.1177/1066480793013002](https://doi.org/10.1177/1066480793013002)
2. Bernstein F.H., M.T. Understanding and treating marital differences (marital therapy). Translated by Hamid Reza Sohrab, Tehran: Rasa Cultural Services Institute; 2023
3. Mesghali Sh, Aghaei A, Ghorbani M. Comparison of codependency and marital satisfaction of normal married women and those about to divorce. Knowledge and Research in Applied Psychology, 2024; 15(58): 4-16. <https://sanad.iau.ir/journal/jsrp/Article/533937?jid=533937&lang=en>. (In Persian).
4. Hertlein KM, Wetchler JL, Piercy FP. Infidelity: An overview. Journal of Couple & Relationship Therapy, 2022; 4(2-3): 5-16. doi: [10.1300/J398v04n02_02](https://doi.org/10.1300/J398v04n02_02)
5. Abbaspour Z., Ghanbari Z. The Study of the Direct and Indirect Effect of Sexism on Marital Satisfaction Mediation with Perceived Acuity. Journal of Applied Psychological Research, 2023; 9(4): 127-140. doi: [10.22059/japr.2019.71006](https://doi.org/10.22059/japr.2019.71006). (In Persian).
6. Markman H.J., Hahlweg K. The Prediction and prevention of marital distress: An international Perspective. Clinical Psychology Review, 2023; 2(13): 29-43. doi: [10.1016/0272-7358\(93\)90006-8](https://doi.org/10.1016/0272-7358(93)90006-8)
7. Luthans F., Avolio B.J., Avey J.B., Norman S.M. Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. Personnel Psychology, 2024; 60(3): 541-572. doi: [10.1002/job.165](https://doi.org/10.1002/job.165)
8. Simar Asl N, Fayazi M. Psychological capital, a new basis for competitive advantage. Tadbir Monthly, 2023; 19(200):24- 1. DOI: [10.53338/ADHIPA2021.V08.Si01.17](https://doi.org/10.53338/ADHIPA2021.V08.Si01.17) (In Persian).
9. Kafaei A M., Mohebbi D Z., Kamali Z. The Relationship between Sexual Self-Efficacy and Sexual Function in Married Women. Journal of Midwifery and Reproductive Health, 2023; 7(2): 1703-1711. doi: [10.22038/jmrh.2018.30672.1333](https://doi.org/10.22038/jmrh.2018.30672.1333) (In Persian)
10. Rahmani A, Sadeghi N, Allahgholi L, Mirghat Khoei ES. The relationship between sexual satisfaction and individual factors in couples. Iranian Journal of Nursing, 2022; 3(23): 121-29. doi: [10.32598/ijn.35.140.518](https://doi.org/10.32598/ijn.35.140.518) (In Persian)
11. Dennis A.B. Understanding and Treating Marital Infidelity: A Multidimensional Model. The American Journal of Family Therapy, 2022; 3(6): 1-17. DOI:[10.1080/01926180601186900](https://doi.org/10.1080/01926180601186900)

12. Avey J.B., Wernsing T.S., Luthans F. Can positive employees help positive organizational change? Impact of psychological capital and emotions on relevant attitudes and behaviors. The journal of applied behavioral science, 2023; 44(1): 48-70. doi: [10.1177/0021886307311470](https://doi.org/10.1177/0021886307311470)
13. Delavar A. Research Method in Psychology and Educational Sciences, Tehran, 2023(In Persian)
14. Abbasi M.S., Naderi Nasab M., Majadi N. Designing Strategy for Lifestyle Development by Emphasizing the Role of the Socio-Psychological and Motivational Status of Sports Models. Sport Psychology Studies, 2021; 9(34): 61-84. doi: [10.22089/spsyj.2020.8694.1939](https://doi.org/10.22089/spsyj.2020.8694.1939) (In Persian)
15. Greeff A.P., Malherbe H.L. Intimacy and marital satisfaction in spouses. Journal of Sex & Marital Therapy, 2022; 2(4): 247-257. doi:[10.1080/009262301750257100](https://doi.org/10.1080/009262301750257100)
16. Garavand H., Taheri H. The mediating role of irrational beliefs in the relationship between values and life aspirations with mental health. Preventive Counseling, 2022; 3(1): 19-37. doi: [10.22098/jpc.2022.1620](https://doi.org/10.22098/jpc.2022.1620) (In Persian)
17. Bahadorikhosroshahi J., Hashemi Nosrat Abad T., Babapur Kheyroddin J. The Relationship between Social Capital and Psychological Well-being among the Students of Tabriz University. Social Cognition, 2024; 3(2): 44-54. doi: [20.1001.1.23223782.1393.3.2.3.1](https://doi.org/20.1001.1.23223782.1393.3.2.3.1) (In Persian)
18. Psychological well-being based on psychological capital, mediated by mindfulness, in Tehran Hospitals. International Journal of Hospital Research, 2020; 9(4): e119273. https://ijhr.iuums.ac.ir/article_119273.html (In Persian)
19. Goudarzi M., Shiri F., Mahmoudi B. Effectiveness of Cognitive-Behavioral Family Therapy on parent-child conflicts and marital conflict. Applied Psychology, 2019; 12(4): 531-551. doi: [20.1001.1.20084331.1397.12.4.4.4](https://doi.org/20.1001.1.20084331.1397.12.4.4.4) (In Persian)